

## دامنه و افق مناسبات جمهوری اسلامی ایران و ترکیه (۲۰۲۱-۲۰۱۱)

حسین یارمحمدیان<sup>۱</sup>، علی امیدی<sup>۲</sup>، شهروز ابراهیمی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۱/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۴/۱۲

### چکیده

مقاله حاضر، نخست شرحی از فراز و فرودهای روابط میان ایران و ترکیه عرضه می‌کند و توضیح می‌دهد که چگونه اندکی فاصله‌گیری آرام ترکیه تحت سیادت حزب عدالت و توسعه، از سکولاریسم نظامی کمالیست‌ها، موجب شد که مناسبات دیپلماتیک میان ایران و ترکیه از سال ۲۰۰۲ به بعد گسترش پیدا کند. سپس، توجه خود را به اهمیت خیزش‌های عربی در ایجاد شکاف میان ایران و ترکیه معطوف می‌کند و با استفاده از نظریه معمای امنیت و با رویکردی توصیفی - تحلیلی، این پرسش را مطرح می‌کند که عوامل اثرگذار در فرسایش روابط ایران و ترکیه، ناظر به چه موضوع‌ها و مسائلی بوده و قلمرو اثرگذاری این متغیرها در آینده روابط کجاست؟ از همین‌رو و در مقام پاسخ، اشاره می‌شود که از لحاظ جغرافیایی، این دو کشور به واسطه ابهام و عدم اطمینان اوضاع شکننده خاورمیانه، خصوصاً عراق و سوریه، همزمان در مسائل سیاسی-امنیتی در مناطق مختلفی؛ از جمله منطقه هلال حاصلخیز شامل عراق، سوریه و کردها تأثیرگذار هستند و به لحاظ هویتی نیز با اتصال اصول و ارزش‌های خود به مسائل منطقه‌ای؛ به‌خصوص هدایت جریان‌های ایدئولوژیک و بازیگران غیردولتی، در جهت اثرگذاری بر مناطق استراتژیک در راستای خودیاری به ایفای نقش می‌پردازند.

**واژه‌های کلیدی:** ایران، ترکیه، خاورمیانه، خیزش‌های عربی، سوریه، عراق، کودتا

---

۱. کاندیدای دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان، ایران hosein.yar58@yahoo.com

۲. (نویسنده مسئول)، دانشیار روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان، ایران aliomidi@ase.ui.ac.ir

۳. استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان، ایران sh.ebrahimi@ase.ui.ac.ir

## ۱. مقدمه

روابط میان ترکیه و ایران از قرن پانزدهم میلادی به بعد، آن‌گاه که ترکیه امپراتوری عثمانی بود و ایران هم امپراتوری صفوی؛ اولی غالباً به مذهب سنت و جماعت و دومی پیرو مذهب شیعه، همواره روابطی تحت شعاع رقابت‌های ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیک بوده است. پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی، نخستین رئیس‌جمهور ترکیه، مصطفی کمال، اصلاحات آمرانه حقوقی و اجتماعی متحول‌کننده‌ای را آغاز کرد تا الگوی ترکیه مدرن را برای حکومت‌داری خلق کند؛ الگویی که شالوده‌اش دموکراسی سکولار همراه با اقدامات اصلاحی بود و بر ویرانه‌های خلافت اسلامی استوار شده بود. همسایه ترکیه، ایران نیز در اوائل قرن بیستم و تحت رهبری رضاشاه، اصلاحاتی مشابه ترکیه را برای سکولار کردن جامعه آغاز کرد؛ اما پس از انقلاب ۱۳۵۷ فضا کاملاً متحول شد. ایران که کشوری بزرگ، مهم و با ثروت‌های فراوان بود، شروع به استفاده از رویکردی اسلامی برای غلبه بر انزوای شیعی سنتی‌اش در جهان بزرگ اسلام نمود. از همین‌رو، صفت تأثیرگذاری نیز به این مجموعه ویژگی‌ها افزوده شد. ترکیه هم که با بحران هویت پساجنگ سرد مواجه شده بود، با رویکردی چندبُعدی به این موضوع واکنش نشان داد و بر ایجاد روابط با مناطق سنتی تحت نفوذ خود، از بالکان گرفته تا قفقاز تمرکز نمود (Friedman, 2015: 4).

بنابراین، ترکیه طرفدار غرب، و ایران غرب‌ستیز، در دوره پساجنگ سرد، به صورت ضعیف در خاورمیانه، قفقاز و آسیای مرکزی، خلیج فارس و حتی منطقه افغانستان و پاکستان با هم رقیب بودند؛ اما ویژگی اثرگذاری ترکیه در جهان اسلام، با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه محقق شد. تا پیش از نوامبر ۲۰۰۲، ترکیه تمام انرژی و توجه خود را معطوف به غرب کرده بود، و به منطقه خاورمیانه آنچنان که باید و شاید، توجه چندانی نداشت. مهم‌ترین نقش ترکیه به‌عنوان یکی از اعضای ناتو، حفاظت از حاشیه جنوب‌غربی اروپا در برابر تجاوزات احتمالی اتحاد جماهیر شوروی بود؛ تا مهار یک ایران انقلابی. از

همین‌رو، نخبگان ترکیه همه توجه خود را به تقویت پیوندهای کشورشان با غرب - و به‌ویژه عضویت در اتحادیه اروپا - اختصاص داده بودند، تا ایجاد پیوندهایی صمیمی‌تر با خاورمیانه.

با حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳، خاورمیانه دستخوش تغییر و تحولات اساسی شد و با وقوع خیزش‌های جهان عرب در سال ۲۰۱۱، بازیگران مهم منطقه‌ای؛ از جمله ایران و ترکیه، رقابت خود را در خاورمیانه برای تثبیت «نقش‌های جدید» در پیش گرفتند. از این مقطع به بعد، دو قدرت منطقه‌ای؛ یعنی ترکیه و ایران در مقایسه با گذشته در تحولات خاورمیانه، نقش جدی و سرنوشت‌سازی پیدا کردند. هرچند که نقش‌های آنها با یکدیگر کاملاً متفاوت است؛ اما فضای تحرک دو قدرت منطقه‌ای غیرعرب با هیچ دوران دیگری قابل مقایسه نیست. امروزه نیز ترکیه و ایران دارای اهداف راهبردی مشترکی در سطح پیرامونی خود نیستند؛ از همین‌رو، در چند زیرسیستم منطقه‌ای و از جمله در منطقه هلال حاصلخیز، دستورالعمل متفاوتی را که عموماً در مقابل منافع یکدیگر قرار دارد، دنبال می‌کنند. در واقع، می‌توان گفت که ماهیت اختلاف بین آنها، تا حدود زیادی به ترس و نبود قطعیت در خصوص رفتار منطقه‌ای یکدیگر و همچنین، کسب امنیت نسبی برمی‌گردد؛ به‌گونه‌ای که مجموعه‌ای از مسائل ایدئولوژیک؛ از جمله به چالش کشاندن نظام‌های سیاسی و مشروعیت مذهبی یکدیگر و همچنین، رقابت‌های ژئوپولیتیک در بحران‌های منطقه‌ای را دربرمی‌گیرد. بر همین اساس، محدودیت‌های توانایی ترکیه و ایران برای سازگار کردن منافع سیاسی خود با یکدیگر، به‌طور بالقوه باعث تضعیف و حتی عقبگرد روابط قوی سیاسی - اقتصادی آنها طی دو دهه گذشته بوده است. اگرچه ملاحظات اقتصادی و گردشگری این دو کشور درهم تنیده شده است؛ اما چگونگی استفاده آنها از گزینه‌های خود برای تثبیت قدرت و نفوذشان در منطقه، و اینکه آیا می‌توانند بر اختلافات خود فائق آیند، با فراز و فرودهای بسیار روبه‌رو بوده است.

## ۲. روش‌شناسی پژوهش و سطح تحلیل

به منظور درک عوامل و متغیرهای اثرگذار در روابط ایران و ترکیه، در این مقاله کوشش می‌شود با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با کمک گرفتن از چارچوب نظری معمای امنیت، از ظرفیت‌های تبیینی این رویکرد در چارچوب نظریه رئالیسم استفاده شود. در نظریه‌های رئالیسم، سه سطح تحلیل وجود دارد: سطح تحلیل نخست مربوط به ویژگی‌های کشور؛ سطح دوم مربوط به تحلیل موضوع‌های منطقه‌ای و سطح سوم مربوط به ویژگی‌های نظام بین‌الملل بوده و در آخری بر تأثیرگذاری ساختار نظام بین‌الملل بر رفتار کشورها تأکید دارد.

این پژوهش بر سطح تحلیل منطقه‌ای تأکید داشته و اشاره می‌کند که مهم‌ترین محور این نوع تحلیل، خطرهایی است که ممکن است از محیط بیرونی به محیط درونی کشور وارد شده و به ارزش‌ها و منافع اساسی یک بازیگر یورش برد. نظر به اینکه زمینه بازیگری و ایفای نقش در جایگاه یک قدرت منطقه‌ای برای هر دو کشور ایران و ترکیه در زمینه‌هایی مهیاست، به طریق اولی نیز هر دو کشور برای دستیابی به جایگاه قدرت برتر منطقه‌ای در مقابل با چالش‌هایی از جانب یکدیگر روبه‌رو هستند. از همین‌رو، در این زمینه سطح تحلیل منطقه‌ای به نوعی واحدی کوچک‌تر از سطح تحلیل ساختاری و برداشتی تقلیل‌گرایانه از سطح سیستمی ارائه می‌دهد.

## ۳. چارچوب نظری

انگیزه‌ها، اهداف، تصمیم‌ها و رفتارهای سیاست خارجی دو کشور ایران و ترکیه نسبت به یکدیگر و در خاورمیانه را می‌توان بر اساس منطق و مفاهیم نظریه‌ها و مکاتب گوناگونی تحلیل و تبیین نمود؛ اما در اینجا بنا داریم مشخصاً فضای حاکم بر مناسبات دوجانبه را بر

اساس نظریه «تنگنای امنیت»<sup>۱</sup> مدنظر قرار دهیم. معمای امنیت، وضعیتی است که در آن، کوشش‌های یک دولت برای افزایش امنیت خود، به شکل تناقض‌آمیزی موجب کاهش امنیت دولت‌های دیگر می‌گردد. «این مفهوم، باوری ساختاری است که در آن، کوشش کشورها برای تقویت امنیت‌شان، اقدامی دفاعی و در مقابل، اقدامات مشابه دیگر کشورها بالقوه تهدیدآمیز تلقی می‌شود» (Herz, 1951: 157). نبود قطعیت و اطلاعات ناقص و یک‌سونگری، وجه مشخصه معمای امنیت است. داشتن مقیاس‌های عینی از امکانات مادی می‌تواند مقدمه‌ای باشد برای تحلیل قدرت؛ اما سنجیدن توانایی یک کشور در بهره‌برداری از این امکانات و نیز ارزیابی مؤلفه‌های ناملموس قدرت کشور، کاری بسیار دشوارتر است. در مواقعی که با اطلاعات ناقص طرف هستیم، سمت‌گیری‌های شناختی و حسی، نقش مهم‌تری در کمک به سیاست‌گذاران در تحلیل و پیش‌بینی رفتار دیگران ایفا می‌کند و بدین ترتیب، بر تصمیمات سیاسی آنها اثر می‌گذارد.

در اینجا بازیگران یا دولت‌ها در بهترین حالت، فرصت‌طلب و در بدترین حالت، ستیزه‌جو هستند و ریشه این‌گونه رفتارها، به‌عواملی چون ویژگی‌های سیاست داخلی دولت‌ها، الگوهای توزیع قدرت و شخصیت رهبران برمی‌گردد. در کشمکش امنیت، دولت‌ها به‌عنوان بازیگرانی خودخواه تلقی می‌شوند که طبق قاعده بازی با حاصل جمع صفر، در پی کسب امنیت به‌وسیله افزایش قدرت نسبی هستند. در این شرایط، عواملی مانند اثرگذاری حداکثری در تحولات منطقه‌ای، برداشت‌های متعارض و سوءتفاهم‌ها، خود به ناامنی می‌انجامند. بوزان در بحث انگیزه‌های بازیگران و رابطه آن با ایجاد معمای قدرت - امنیت (Buzan, 1984: 112-118)، به دولت‌های طرفدار حفظ وضع موجود (همچون ایران در حمایت از دولت مرکزی بغداد و دمشق) و دولت‌های تجدیدنظرطلب (همچون ترکیه در نقطه مقابل) می‌پردازد. در همین ارتباط، ایران و ترکیه

یکدیگر را رقیب مذهبی خود می‌پندارند. ایران به‌عنوان مرکز «مسلمانان شیعه» یکی از دو قطب مهم جهان اسلام به‌شمار می‌رود و در این زمینه، ترکیه همواره آن را هم‌اورد خود پنداشته است. همین‌طور درباره کنترل عراق و سوریه، رقابت راهبردی و ژئوپلیتیک پیچیده‌ای میان این دو وجود دارد. در چنین شرایط و وضعیت نامتقارنی که آنها بین «امنیت» و «معمای امنیتی» - به واسطه نبود سازوکار منسجم و فراگیری که به طور قاعده‌مند درک مشترکی از تهدیدات و منافع را پوشش دهد - گیر افتاده‌اند، نسبت به یکدیگر دارای ادراک‌های متفاوتی از تهدید منافع و خودیاری می‌شوند که نتیجه آن بازتولید گونه‌های متعددی از تنگنای امنیت و ترس درخصوص رفتار و نیت طرف مقابل است. این وضعیت با افزایش احساس کاهش امنیت نسبی در دو طرف، فضای «عدم قطعیت» و تالی آن «معمای امنیت» بین آنها را فزونی داده که اخلاص در نظام کنترل امنیت منطقه‌ای، یکی از عوارض جدی آن است.

#### ۴. یافته‌های تحقیق

۴-۱. ارتقای مناسبات دیپلماتیک: کوشش‌های گسترده حزب عدالت و توسعه برای بهبود روابط ترکیه و خاورمیانه مسلمان، به طور ضمنی، روند بهبود پیوندهای ترکیه و جمهوری اسلامی را نیز تسهیل کرد. با این حال، مسیر رو به‌رشد روابط ترکیه و ایران، در دوران حزب عدالت و توسعه، مقدماً بر اساس دغدغه‌های یکسان در مورد اقلیت کرد و همین‌طور، منافع اقتصادی مشترک شکل گرفته بود و نه الزاماً به واسطه قرابت دینی و ایدئولوژیک. علی‌رغم خطابه‌هایی که درباره همبستگی مسلمین و منافع سیاسی مشترک به زبان می‌آمد، اختلافات مهم راهبردی و ایدئولوژیک که در زیر این پوسته سطحی قرار گرفته بود- و همچنان مابین دو کشور وجود دارد- عمق این آشتی دوباره را بسیار محدود می‌کرد.

در پیش گرفتن اسلام‌گرایی توسط ترکیه، همزمان با کاهش وابستگی ترکیه به آمریکا و استقلال بیشتر در مورد آنچه این کشور، منافع اصلی در خاورمیانه می‌خواند؛ یعنی گسترش اتحاد اقتصادی و سیاسی در خاورمیانه، سیاست خارجی ترکیه را از سال ۲۰۰۵ دگرگون نمود. عملکرد حزب عدالت و توسعه در انتخابات سال ۲۰۰۷، انتصاب احمد داوود اوغلو به سمت وزیر خارجه در سال ۲۰۰۹ و پیگیری سیاست «مشکلاتِ صفر»<sup>۱</sup> در زمینه سیاست خارجی و همچنین، تغییر رئیس ستاد کل ارتش ترکیه از فردی سکولار و غربگرا به ژنرال «نجدت اوزل» که گرایش‌های اخوانی داشت، در جهت پیشبرد استراتژی جدید امنیت ملی کشور، مجموعه تحولاتی است که رویکرد ترکیه به خاورمیانه را جدی نمود.

برای ناظران مسائل خاورمیانه، آشکار است که ترکیه پس از سقوط صدام و با استفاده از بستر اجتماعی موجود و نزدیک‌تر کردن روابط خود با کردها و اهل تسنن، نفوذ خود را در عراق گسترش داده است. در عین حال، یکی از کشورهایی بود که پیامدهای سقوط صدام در عراق را قبول نکرد و با طرح ادبیات دولت فراگیر در این کشور، عملاً نشان داد که نتایج انتخابات و برتری عددی به نفع شیعیان به رهبری ایران را نپذیرفته است. با این حال، این کشور با هدف دوری از آشوب در عراق، تقویت نفوذش در منطقه و جهان و همچنین، پیشگیری از تشدید اختلافات بین ایران و آمریکا، خود را به‌عنوان واسطه و میانجی بین ایران و ایالات متحده مطرح کرد. معروف‌ترین اقدام ترکیه عبارت بود از کوشش این کشور برای پُرکردن شکاف میان ایران و آمریکا در ماه مه ۲۰۱۰. زمانی که آمریکا در پی تصویب دور جدیدی از تحریم‌ها ضد برنامه هسته‌ای ایران گام برداشت؛ ترکیه و برزیل دولت ایران را متقاعد کردند که بیانیه موافقت با اعتمادسازی و محدود کردن برنامه هسته‌ای‌اش را امضا کند. هر چند با کارشکنی آمریکا، این معامله محقق نشد؛

---

1. Zero problem

اما طرح ترکیه برای میانجیگری در برنامه هسته‌ای، به نزدیک‌تر شدن آنکارا به تهران منجر شد (Sanger & Slackman, 2010: 6) و در پی آن، وخیم شدن روابط بین ترکیه و اسرائیل در سال ۲۰۰۹ و تحکیم زمامداری اردوغان نیز به تقویت روابط اقتصادی، سیاسی و اطلاعاتی میان دو کشور انجامید. این اقدام همچنین، باعث تثبیت رویکرد سنتی ایران برای جلب همکاری ترکیه و کاهش رقابت در زمان انزوای دوران دوم ریاست جمهوری احمدی‌نژاد شد.

در حالی که ترکیه و ایران همچنان رقیب سیاسی یکدیگر در عراق، سوریه، لبنان، قفقاز، آسیای مرکزی و خلیج فارس به‌شمار می‌روند، این دو کشور توانستند حساب روابط فزاینده تجاری و اقتصادی خود را جدا کنند؛ روابطی که به دلیل تحریم‌های اقتصادی علیه ایران، مناسبات اقتصادی دو کشور را تا مرز ۲۰ میلیارد دلار در سال افزایش داد (Demirtaş, 2016: 3). با وجود این، آغاز رقابت منطقه‌ای ترکیه و ایران را می‌توان از سال ۲۰۱۱ در سوریه مشاهده کرد؛ جایی که ترکیه کوشش کرد با طرح «کمر بند اخوانی»<sup>۱</sup> از نفوذ ایران در محور مقاومت جلوگیری کند. به همین جهت، در چند سال گذشته، تصور اینکه ترکیه چگونه برای ایفای نقش قابل توجه خود در منطقه آماده شده، برای ایران بسیار دشوار شده است. بر اساس همین واقعیت، اکنون چند سالی است که آشکارا تنش‌های سیاسی عمدتاً لفظی بین ایران و ترکیه خودنمایی می‌کند.

اما در اینجا تفاوت‌های مهمی در مورد سیاست‌های منطقه‌ای دو کشور قابل مشاهده است: گرایش ترکیه به مسائل منطقه‌ای خاورمیانه جدید است و تمایلات آن تنها در طول یک دهه گذشته تقویت شده است. بر همین مبنا، مشاهده می‌کنیم که جابه‌جایی راهبردی دارد و یک اصل واحد را دنبال نمی‌کند؛ اما ایران نزدیک به چهار دهه در مسائل منطقه‌ای دارای تاریخ بوده و اصول راهبردی خاص و ثابتی را دنبال کرده است. لذا این آرایش و برداشت



جدید از قدرت و نفوذ در منطقه هلال حاصلخیز که هر دو کشور آن را «خارج نزدیک»<sup>۱</sup> خود قلمداد می‌کنند، روابط ایران و ترکیه را به مثابه قرن شانزدهم میلادی، در میانه ابهام و نبود اطمینان از یکدیگر قرار داده است. اکنون برای فهم اینکه چرا الگوی «تعامل رقابتی» ایران و ترکیه که چندین دهه بر مناسبات دو کشور حاکم بود؛ امروزه در خاورمیانه و به‌ویژه در سوریه و عراق جنبه امنیتی به خود گرفته است، باید به بررسی این موضوع پرداخت که فضای خاورمیانه پس از خیزش‌های عربی، چگونه برداشت دو کشور از «منافع ملی» را به «منافع حیاتی» تغییر داده و چگونه این تصور با ذهنیت عدم قطعیت از اهداف طرف مقابل، به خط‌مشی سیاسی - امنیتی و همچنین، ژئواستراتژیک آنها تبدیل شده است.

۲-۴. **خیزش‌های عربی و وفاداری به رقابت:** تقریباً همه به این آگاهی عمومی رسیده‌اند که سیاست خارجی ترکیه با شروع خیزش‌های عربی در خاورمیانه، دچار یک بلندپروازی اساسی شده است و باید از یک دوره جدید در رفتار منطقه‌ای این کشور سخن گفت. جغرافیای سیاسی متغیر خاورمیانه و بالا گرفتن خشونت‌های داخلی در سوریه و دسیسه در عراق، ایران را نیز بر آن داشت تا بار دیگر، سیاست منطقه‌ای خود را تقویت کند؛ اما موج دوم خیزش‌های عربی؛ به‌خصوص در لیبی و سوریه، تثبیت‌کننده تغییر بنیادین برای رفتار منطقه‌ای ترکیه بود. آنها دیگر مانند تونس و مصر، به حرف و مذاکره بسنده نکردند؛ بلکه بی‌درنگ وارد عمل شدند (Marcou, 2013: 4). در واقع، ترکیه با پیش‌بینی نبود تمرکز قدرت در سوریه پس از اسد، و با امید به بهره‌گیری از منطقه خودمختار کردستان در شمال عراق، درصدد برآمد با پی‌ریزی یک کمربند حفاظتی در سرتاسر ناحیه شمالی هلال حاصلخیز، نفوذ خود را در میان جمعیت کردهای منطقه و همین‌طور در مراکز بزرگ تجاری، مانند حلب و موصل افزایش دهد (رضائی، ۱۳۹۳)؛ شهرهایی که در حافظه تاریخی سیاست‌گذاران ترک، هنوز به‌عنوان سرزمین‌های امپراتوری عثمانی به‌خاطر آورده می‌شود.

این درحالی است که کوشش ترکیه برای دستیابی به چنین موقعیتی، بعضاً در تقابل با ایران قرار می‌گرفت و ایران نیز در مقام پاسخ، استراتژی منطقه‌ای خود را در عراق و سوریه بازتعریف نموده، تحکیم بخشید.

بنابراین، جنگ سوریه و بحران عراق به‌عنوان دو متغیر جدی، باعث شد گزینه‌های متفاوت ترکیه و ایران در روابط دوجانبه آنها فعال شود. درحالی‌که ترکیه جنگ سوریه را به‌عنوان موضوعی حقوق‌بشری و فرصتی برای افزایش قدرت و نفوذ خود در منطقه دنبال می‌کرد، ایران این رویکرد ترکیه را فرصت‌طلبانه و در راستای یک معمای امنیتی تفسیر نمود؛ به نحوی که شورش علیه دولت بشار اسد را به‌عنوان تهدیدی جدی علیه خود و متحد راهبردی‌اش، حزب‌الله لبنان قلمداد نمود. دلیل راهبردی این موضوع نیز آن است که جمهوری اسلامی ایران، سوریه را دیوار حائلی تصور می‌کند که اصطلاحاً باید جلوی تأثیر مخرب بهار عربی را بگیرد و مانع از سقوط دولت‌های دوست با ایران شود، و همچنین، از نزدیک شدن تهدیدها به مرزهای رسمی خود جلوگیری کند (Larrabee & Nader, 2013: 2-3). بنابراین، اگرچه مهم‌ترین چالش ایدئولوژیک در روابط ایران و ترکیه، کوشش آنکارا در جانداختن الگوی سیاسی خود در خاورمیانه، به‌عنوان رقیب الگوی ایرانی بود (امیدی، ۱۳۹۱: ۵)؛ اما تا جایی که این نزاع و مناقشه جنبه نرم‌افزاری داشت و از نظر جغرافیایی، ترکیه بستر لازم را برای گروه‌های مسلح در سوریه و عراق مهیا نکرده بود؛ ایران نیز به موضوع تحولات منطقه‌ای ورود جدی نکرد. با وجود این، پس از آن، درگیری‌های لفظی میان طرفین سیر صعودی به خود گرفت؛ به‌گونه‌ای که هر دو کشور یکدیگر را به راه انداختن جنگ فرقه‌ای و مذهبی متهم می‌کردند؛ یعنی از یک طرف موضوع «هلال شیعی» مطرح شد و از دیگر سو، بحث «نئوعثمانی‌گرایی». اما ناامنی در ترکیه، واقعیتی تاریخی را به نمایش گذاشت؛ یعنی پس از ظهور داعش در خاورمیانه، بسیاری از ناظران جهانی این دیدگاه را مطرح کردند که سوریه به افغانستان ترکیه تبدیل

شده و ترکیه هم نقشی شبیه پاکستان ایفا کرده است؛ بدین مفهوم که این کار را از طریق تسهیل عبور و مرور تندروها از مرز برای ورود به سوریه و ناآرام کردن آن انجام می‌دهد. بر همین اساس، امروزه (اوایل ۲۰۱۷) ترکیه تنها کشور عضو ناتو است که دارای مرز مشترک با داعش است و تداوم بمب‌گذاری‌ها و حملات انتحاری در این کشور تا اواسط ۲۰۱۶، شاهدی بر این ادعاست. همین اشتباه فاحش ترکیه، ظرفیت پنهان کردها را نیز میان دو کشور فعال کرده است.

بنابراین، در ایجاد چنین شرایط متشنجی میان ایران و ترکیه، می‌توان سه علت عمده را تشخیص داد: اول، هم آنکارا و هم تهران، حکومت‌هایی دارند که خود را نسبت به دیدگاه‌های رهبری جویانه متعهد می‌دانند؛ دوم، با پایان یافتن دوره تسلط رژیم بعث در عراق و ظهور پدیده خیزش‌های عربی، اکنون به نظر می‌رسد که دو کشور عراق و سوریه بیش از هر زمان دیگری نسبت به رقابت قدرت‌های ایران و ترکیه آسیب‌پذیر شده‌اند. در دوران قدیم، ایران و ترکیه در رقابت برای پرکردن خلاء سیاسی ناشی از فروپاشی صلح مغول می‌جنگیدند، و امروز، آنها بار دیگر برای پرکردن خلاء سیاسی موجود در دو کشور ضعیف سوریه و عراق وارد رقابت شده‌اند (Cagaptay and Evans, 2013: 7)؛ سوم، و اکنون این خلاء سیاسی به واسطه دورنمای کاهش نفوذ و سلطه آمریکا، که برای بیش از نیم قرن به صورت غیررسمی، قدرت برتر خارجی در منطقه محسوب می‌شد، بیش از پیش افزایش یافته است. به همین جهت و دست‌کم به لحاظ تئوریک، نمی‌توان دو کشور ایران و ترکیه را سرزنش نمود؛ زیرا هر دو در پی بهره‌برداری از «نظم نوین» منطقه‌اند تا بتوانند بر تنگنای امنیتی خود فائق آیند. مناقشه کنونی اینجاست که جمهوری اسلامی ایران و ترکیه می‌کوشند امنیت خود را با ایجاد و افزایش نفوذ بر کشورهای دیگر حفظ نموده و افزایش دهند؛ چون دو کشور معتقدند که امنیت آنها تنها با بیشینه‌سازی کنترل بر منابع و قدرت ملی‌شان حاصل نمی‌شود؛ بلکه علاوه بر آن، از طریق تأثیرگذاری بر چگونگی به‌کارگیری

قدرت سایر کشورهایی که زمانی در قلمرو نفوذ فرهنگی و سرزمینی آنها بوده‌اند نیز تأمین و تقویت می‌گردد. این راهبرد به صورت مستقیم، با ایجاد وابستگی متقابل نامتقارن از طریق برقراری روابط دوجانبه با بازیگران دولتی و یا به طور غیرمستقیم، در چارچوب سازمان‌ها و بازیگران غیردولتی منطقه‌ای پیگیری و عملیاتی می‌شود. یکی از این متغیرها، بی‌شک نقش و نفوذ دو کشور در کردهای منطقه است.

۳-۴. **موضوعیت متغیر کردها:** ترکیه و ایران که به ترتیب اولین و دومین جمعیت بزرگ‌گرد منطقه را در خود جای داده‌اند؛ همزمان از احساسات جدایی‌طلبانه کردها بیم دارند. از زمان شکست مذاکرات صلح در ژوئیه ۲۰۱۵ میان ترکیه و حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک.)<sup>۱</sup>، این مناقشه وارد مرحله‌ای خونین شده و بخش‌های بزرگی از جنوب شرق ترکیه تا غرب این کشور را دربرگرفته است. ایران هم مدت‌هاست که با جنبش‌های چریکی کردها روبه‌روست؛ ولی برای ایران چنین شورش‌هایی پراکنده و گذرا بوده‌اند. برای نمونه، در سال ۲۰۰۴، «حزب حیات آزاد کردستان»<sup>۲</sup> پدیدار شد که پیرو رهبری و ایدئولوژی حزب پ.ک.ک. بود؛ ولی این حزب هم در سال ۲۰۱۱ اعلام آتش بس کرد که هنوز هم به‌رغم درگیری‌های گاه و بیگاه پابرجاست. اواسط سال ۲۰۱۶، ایران شاهد تجدید حیات ظاهری و شاید کوتاه مدت ناآرامی در منطقه کردنشین خود بود. این امکان وجود دارد که محرک برخی از حملات، اقدام رقبای منطقه‌ای ایران؛ از جمله عربستان سعودی، به تلافی آنچه دخالت ایران در امور داخلی آنها تلقی می‌شود، بوده باشد (International Crisis Group, 2016: 4).

دو کشور ایران و ترکیه اغلب در برخورد با احساسات ملی‌گرایانه‌گردمحوران همکاری کرده‌اند؛ ولی از سال ۲۰۱۱ این همکاری‌ها تحت شعاع بحران سوریه قرار گرفته

---

1. The Kurdistan Workers' Party (PKK)  
2. the Party for a Free Life in Kurdistan (PJAK)

است. در عراق، ترکیه از مسعود بارزانی<sup>۱</sup>، رئیس «اقلیم کردستان عراق»<sup>۲</sup> حمایت کرده است؛ به‌رغم آنکه بارزانی در تلاش برای برگزاری همه‌پرسی استقلال کردستان عراق بوده است؛ اما ایران پشتیبان رقیب بارزانی است؛ یعنی از جلال طالبانی<sup>۳</sup>، رهبر «اتحادیه میهنی کردستان»<sup>۴</sup> حمایت می‌کند. در شمال سوریه نیز ایران و ترکیه از گروه‌های متفاوت کُرد حمایت کرده‌اند. هرچند از لحاظ نظری، قدرت گرفتن «پ.ک.ک» و گروه‌های وابسته به آن، تهدیدی علیه هر دو کشور است؛ اما تصرف اراضی گسترده از سوی «حزب اتحاد دموکراتیک سوریه»<sup>۵</sup> که به «پ.ک.ک» وابسته است و شاخه نظامی آن؛ یعنی «واحد‌های مدافع خلق»<sup>۶</sup> که مستقیماً مخالف منافع ترکیه‌اند، باعث شده تا مقامات آنکارا، ایران را در این خصوص متهم کنند؛ اما واقعیت این است که روسیه در این ماجرا نقش اصلی را بر عهده داشته است و حتی آشکارا حمایت خود را از فدرالی شدن سیستم حکومت در سوریه ابراز کرده است؛ اما «آنکارا به طرز محسوسی در مورد دخالت روسیه در شکست جنگجویان شورشی طرفداران خود در حلب سکوت کرده است. در مقابل، نزد مقامات ترکی، ایران، به عنوان عامل جنگ فرقه‌ای معرفی می‌شود و تبلیغات علیه این کشور با رنگ و لعاب مذهبی و تاریخی به وضوح نشان‌دهنده کوشش ترکیه برای تحریک احساسات مردم است» (Idiz, 2016: 3-4).

در همین راستا، نبرد ترکیه علیه یگان‌های مدافع خلق و پ.ک.ک، بدون شک بر توازن در منطقه اثرگذار بوده است؛ نیروهایی که کوشش می‌کنند در برابر داعش و شاخه‌های آن مقاومت کنند. واقعیتی که خود ترکیه از سال ۲۰۱۱ با درپیش گرفتن

---

1. Masoud Barzani  
2. the Kurdistan Regional Government's (KRG)  
3. Jalal Talabani  
4. Patriotic Union of Kurdistan (PUK)  
5. Syrian Democratic Union Party (PYD)  
6. the People's Protection Units (YPG)

سیاست‌های تهاجمی در عراق و سوریه، در فعال کردن ظرفیت پنهان آنها نقش داشته است. به همین خاطر، علی‌رغم اظهارات متعدد اردوغان در باره این‌که اجازه نخواهد داد سنجار به دست «پ.ک.ک.» بیفتد و به قنديل دیگری تبدیل شود (Daily Sabah, 2016: Oct 27) این شهر که پیشتر مرکز پیشین ایزدی‌ها (یزیدی‌ها)ی عراق محسوب می‌شد، اکنون به مقر جدید پ.ک.ک. تبدیل شده است. در مجموع، نفوذ پ.ک.ک. در عراق طی چند سال اخیر به طرز قابل توجهی افزایش یافته است. مقامات آنکارا بر این باورند که چنین تحول عظیمی بدون تأیید ایرانی‌ها نمی‌توانست روی دهد. رسانه‌های هوادار حزب عدالت و توسعه (همچون ینی‌شفق و حریت) نیز مدعی هستند که ایران اکنون سه قرارگاه پ.ک.ک. را در خاک خود میزبانی می‌کند و از طریق سازمان‌های مسلح اقماری‌اش مانند واحدهای جیش‌الشعبی (بسیج مردمی عراق)، به کردها اسلحه می‌رساند (Hürriyet, November, 2016: 3). هر چند ایران چنین ادعاهایی را کذب تلقی می‌کند که اغراض سیاسی را دنبال می‌کنند.

اکنون پس از سال‌ها گمانه‌زنی درباره اینکه برخی بازرگانان ترکیه، مواد شیمیایی قابل استفاده برای ساخت بمب را به قلمرو داعش می‌فرستند (Hubbard & Shoumaimay, 2015)، و پس از آنکه از این مواد در حملات متعدد در خاک خودش استفاده شد، ظاهراً ترکیه فروش آن دسته از موادی را که پایه نترات آمونیوم دارند، ممنوع کرده است. با این حال، انتشار اخباری در مورد اینکه بمب‌ها و وسایل انفجاری از بخش‌های شرقی و جنوب شرقی ترکیه؛ همچون شهر وان وارد می‌شوند، شدت اتهامات در ترکیه علیه ایران رایج شده است (Enson Haber, 2016: Dec 9). ترک‌ها معتقدند ایران در کنار مقابله با حزب حیات آزاد کردستان (پژاک)، همیشه روابط سؤال‌برانگیزی با کردهای عراق و سوریه داشته است؛ اما واضح است که تهران نیز نسبت به کوشش گروه ناسیونالیست کردی حزب اتحاد دموکراتیک (ی.پ.د) برای ایجاد یک قلمرو پیوسته تحت

کنترل کردها، با سوءظن نگاه می‌کند و نگران است که چنین موجودیتی، به پایگاهی برای قدرت‌های غربی تبدیل شود. در عراق هم، تهران پ.ک.ک را یک سرمایه برای ایجاد توازن در برابر حضور نظامی ترکیه در بعشقه نمی‌بیند. اگرچه گفته می‌شود از زمانی که تنش میان آنکارا و تهران بر سر آینده تل‌عفر بالا گرفت (Saadun, 2016: 6)، واحدهای حشد الشعبی رغبت بیشتری به ایجاد اتحاد تاکتیکی با کردها نشان داده‌اند؛ اما حمایت از یک سازمان که در فهرست گروه‌های تروریستی است، تنها به دلیل این‌که کشور همسایه بی‌ثبات شود، نوعی از استراتژی نیست که ایران آن را دنبال کند؛ به‌ویژه زمانی که به وسعت حوزه‌های همکاری ایران و ترکیه، وابستگی متقابل آنها را به نمایش می‌گذارد. همچنین، برای ایجاد مسیری امن برای ایران به سمت مدیترانه که تهران را به بندر لاذقیه در سوریه وصل کند، همکاری شفاف با کردها ضروری است. شهرهای اصلی مانند کوبانی و قامیشلی در شمال سوریه و سنجار در عراق، نقاط حیاتی اتصال‌دهنده این کریدور مطلوب ایران است (Chulov, 2016: 12)؛ حتی اگر دولت ترکیه بتواند از نظر نظامی این شهرهای کردنشین را اشغال کند، نخواهد توانست اجتماعات و حکمرانی پایداری را ایجاد نماید. با این محاسبات، برای ایران معقول است که به تثبیت مسالمت‌آمیز حضور کردها کمک کند.

اکنون، عمدتاً دو نوع رویکرد و نگاه در رسانه‌های کردی به چشم می‌خورند: دسته‌ای معتقدند که کردها در جنگ سرد میان ترک‌ها و ایرانی‌ها قربانی می‌شوند (Mustafa, 2016: 15)؛ عده‌ای نیز بر این باورند که کردها می‌توانند بر طرح‌ها و اقدامات ایرانی‌ها و ترک‌ها اثر بگذارند و سرنوشت خود را به دست بگیرند (Philips, 2016: 23). گزینه دوم می‌تواند باعث برنده بودن تمامی طرف‌ها باشد؛ لیکن تا زمانی که ترکیه و ایران سیاست خاص خود را در مورد شمال عراق و سوریه دنبال نمایند، روابط ایران و کردها نیز در نظر مقامات آنکارا، مناقشه‌برانگیز تلقی خواهد شد.

۴-۴. کودتا و بهبودی مقطعی مناسبات: کودتای جولای ۲۰۱۶ ترکیه، ابتدا باعث نگرانی مقامات ایران شد و به همین جهت، درست چند ساعت بعد از این رویداد، تهران شروع به پشتیبانی از رئیس‌جمهور ترکیه، رجب طیب اردوغان نمود. در واقع، ایران نخستین کشوری بود که حمایتش را از دولت قانونی ترکیه اعلام کرد؛ چرا که این رویداد، تهران را در مقابل یک دورنمای هشداردهنده از جنگ خشونت‌آمیز در یک همسایه بزرگ و مهم قرار می‌داد که احتمال آن می‌رفت به نفع کردهای ساکن ترکیه تمام شود و همچنین، ممکن بود روی کردهای ساکن ایران نیز تأثیر بگذارد. سقوط احتمالی یک حکومت اسلامی؛ ولو یک رژیم سنی، از نظر تهران یک بدعت خطرناک بود. با توجه به این پیش‌فرض، ماهیت واکنش ایران به کودتای نافرجام در ترکیه جالب توجه است. از همین رو، این کودتا و شکست سریع آن توانست تا حدودی به تقویت رابطه بین ایران و ترکیه کمک کند. عوامل مختلفی در وقوع این تحول نقش داشته‌اند: اول، دولت ترکیه در طول چند ماه قبل از وقوع کودتا به این نتیجه رسیده بود که داعش، و نه اسد، باید نگرانی اصلی‌اش در سوریه باشد. افزایش حملات تروریستی داعش در خاک ترکیه، که مرگ ده‌ها تن را به همراه داشت، این ذهنیت و ترس از پاکستانیزه شدن را نزد مقامات سیاسی آنکارا تقویت نمود (Rezaei, 2014: 3).

از این منظر، برای مقطعی کوتاه، اسد به مشکلی حاشیه‌ای و جانبی از نظر ترکیه تبدیل شد. تغییر موضع ترکیه نسبت به حکومت اسد از اظهارات نخست‌وزیر ترکیه، بینالی یلدریم<sup>۱</sup>، در سوم ژوئیه ۲۰۱۶ محرز شد که گفت: «مطمئنم که در آینده روابطمان با سوریه را عادی خواهیم کرد... ما به این نیاز داریم. ما روابطمان را با اسرائیل و روسیه عادی کرده‌ایم. مطمئنم که روابطمان با سوریه را نیز عادی خواهیم کرد.» (Shaeen & Chulov, 2016: 5) این تغییر موضع ترکیه، مسیر را برای بهبود روابط با ایران برای مقطع کوتاهی هموار نمود. دوم، بحران سوریه این حقیقت را به آنکارا اثبات کرده است که برندگان



اصلی تجزیه سوریه- که با سقوط اسد رخ خواهد داد- کردهای سوری و به خصوص «حزب دموکراتیک سوریه»<sup>۱</sup> خواهند بود، که روابط بسیار نزدیکی نه تنها با پ.ک.ک در ترکیه؛ بلکه با حزب حیات آزاد کردستان (پژاک) دارند. با کاهش کنترل حکومت سوریه بر مناطق هم مرز با ترکیه، حزب دموکراتیک سوریه، کنترل بخش زیادی از مناطق کردنشین در سوریه را به دست گرفته است؛ اما واقعیت آن است که هر شکلی از استقلال کردها از نظر ترکیه و ایران مطرود است.

سوم، اجرایی شدن توافق هسته‌ای ایران و برداشته شدن تحریم‌های اقتصادی شورای امنیت ملل متحد، اتحادیه اروپا و ایالات متحده علیه ایران، از نظر تهران و آنکارا عاملی برای تقویت روابط تجاری آنهاست. می‌دانیم که تجارت بین این دو کشور، با تحمیل محدودیت‌های مالی بر ایران محدود شده بود؛ زیرا این محدودیت‌ها به ترکیه اجازه نمی‌داد که هزینه منابع انرژی وارداتی از ایران را پردازد و در نتیجه، جریان نفت و گاز به این کشور محدود شده بود. ترکیه از دیرباز حدود یک چهارم از نفت و حدود یک پنجم از گاز خود را از ایران وارد می‌کند (EIA, August, 2015: 6). درهمین راستا، برداشته شدن تحریم‌ها، بنا بر پیش‌بینی‌های دو طرف، احتمالاً به سه برابر شدن حجم تجارت بین این دو کشور؛ یعنی تا سقف ۳۰ میلیارد دلار در سال‌های آینده منجر خواهد شد (Cetingulec, 2015: 11). درحالی که این عوامل، باعث هر چه نزدیک‌تر شدن روابط بین دو کشور شده‌اند، کودتای نافرجام بیش از پیش به تسریع این روند دامن زد. دولت روحانی و سیاست خارجی ظریف، هوشمندانه تشخیص داد که یک کودتای موفق، نه تنها باعث بی‌ثباتی ترکیه؛ بلکه به بی‌ثباتی کل منطقه منجر خواهد شد و بی‌شک، نتایج بسیار وخیمی برای خود ایران به دنبال خواهد داشت. این را می‌توان از آنجا فهمید که جواد

---

1. Democratic Union Party (PYD)

ظریف، وزیر امور خارجه ایران، در شب کودتا با همتای تُرک خود، حداقل چهار بار تماس برقرار کرد (Hashem, 2016: 2) تا روحیه دولت ترکیه را تقویت کند.

همدلی و حمایت نخبگان ایرانی با دولت ترکیه، برای مقطع کوتاهی، تأثیر روانی عمیقی بر اردوغان و سیاست‌گذاران ارشد آنکارا بر جای نهاد. موضع‌گیری ایران در تضاد کامل با موضع ایالات متحده و اتحادیه اروپا بود که رهبرانشان در بهترین حالت حمایت با تأخیر و سستی از دولت ترکیه نشان دادند. در بیشتر موارد، آنها علاقه‌مند به حرف زدن درباره عدم سوءاستفاده دولت ترکیه از نیروهای اضطراری‌اش بعد از کودتا بودند تا استقبال از موفقیتش در سرکوب کودتا. این مهم از نظر آنکارا پنهان نماند که نه هم‌پیمانان رسمی‌اش؛ بلکه ایران و روسیه، که با هر دو اختلافات بزرگی داشته است، از دولت و مردم ترکیه در بدترین زمان ممکن حمایت کردند (Ülgen, 2016: 4). بنابراین، اعتبار ایران نزد ترکیه به شدت بالا رفت. شایان ذکر است که پاک‌سازی عوامل فتح‌الله گولن<sup>۱</sup> از پست‌های قدرت و نفوذ پس از کودتای نافرجام نیز، از نظر ایران تحول خوشایندی بود. از نظر مقامات در تهران، مهم نبود که آیا گولنی‌ها در کودتا نقش آفرینی داشته‌اند یا خیر؛ ایران به این امر واقف است که طرفداران گولن به ضدایرانی و ضدشیعه بودن معروف‌اند (Erdem, 2016: 6)؛ چرا که آنها تحت تأثیر تاریخ رقابت بین عثمانی‌ها و صفویان و همچنین، بیزاری و انزجارشان از اسلام شیعه قرار دارند. بنابراین، پاک‌سازی بقایای جنبش از حلقه‌های تصمیم‌گیری ترکیه، باعث می‌شود که با از بین رفتن روکش رقابت شیعه-سُنی، روابط بین ایران و ترکیه کمتر ایدئولوژیک و بیشتر پراگماتیک شود.

با همه این اوصاف، پس از آزادسازی حلب، هر دو کشور، شرکا و واسطه‌های محلی خود را در جبهه‌های نبرد موصل، تل‌عفر و رقه<sup>۲</sup> تقویت کرده‌اند؛ شرکا و واسطه‌هایی

---

1. Fethullah Gülen

2. Mosul, Tall Afar and Raqqa

که به شدت می‌کوشند نبض تحولات را پس از جنگ‌های امروز در دست گیرند. هرچند ایران و ترکیه هر دو کوشیده‌اند بر منافع مشترک‌شان؛ از جمله شکست دادن یا دست‌کم به حاشیه راندن داعش و جلوگیری از قدرت گرفتن گروه‌های سنی خواهان استقلال تاکید کنند؛ اما بدگمانی‌های عمیق درباره نیاتی که طرف دیگر برای سودبردن از آشفتگی اوضاع در سر دارد، آنها را از دست زدن به اقداماتی برای فرونشاندن شعله‌های اختلاف بازداشته است.

**۵-۴. چالش‌های آینده:** بر کسی پوشیده نیست که تعامل بین فرقه‌گرایی ناشی از عوامل سنی و شیعه درگیر در جنگ داخلی سوریه و بحران عراق، تشدید برخورد بین ایران و اعراب و ترک‌ها و همچنین، بخشی از کردها، پایه‌های نظم منطقه را متزلزل کرده و باعث تضعیف امنیت و ثبات شده است. برخی معتقدند «ایران به‌خوبی توانسته از نیروهای وفادار و کارت فرقه‌ای به‌عنوان بخشی از سیستم دفاعی بیرونی خود در سوریه، لبنان، عراق و یمن استفاده کند» (Nasr, 2016: 9). واضح است که این دست ادعاها چندان کارشناسی نبوده و هر ناظر بی‌طرفی در امور خاورمیانه قادر است تشخیص دهد که ج.ا.ایران از گسترش فرقه‌گرایی زیان خواهد کرد؛ زیرا دور تا دور ایران را اغلب کشورهای سنی فراگرفته‌اند و ایران فقط در صورت همکاری- یا حداقل همزیستی- با بقیه کشورهای منطقه می‌تواند به پایداری اهداف داخلی و منطقه‌ای خود امیدوار باشد. در مقابل ادعاهای ترکیه علیه فرقه‌گرایی این حقیقت را تغییر نمی‌دهد که امروز این کشور به‌عنوان یک قدرت طرفدار سنی، به‌طورکلی بازیگران شیعه در منطقه را به همان رغبت بازیگران سنی نمی‌نگرد. با وجود این، این نه نشانه خوبی برای اهداف گسترده‌تر ترکیه؛ یعنی ایجاد اتحاد منطقه‌ای، نه برای پویش‌های داخلی‌اش با توجه به جمعیت بزرگ علویان و کردهای ساکن ترکیه - که اخیراً از جانب داعش تهدید می‌شوند و مدام دولت ترکیه را به طرفداری از جریان‌های سنی متهم می‌کنند - محسوب می‌شود.

واضح است که نه ایران و نه ترکیه، نمی‌توانند به تنش‌های فرقه‌ای افسارگسیخته در طول شش سال اخیر خاتمه دهند و هیچ تحولی نمی‌تواند این وضعیت را به تنهایی به حالت گذشته برگرداند. امیرنشین‌های خلیج فارس، از نفوذ مادی و معنوی ایران در عراق، سوریه، یمن و غیره بیمناک هستند. در پاسخ، آنها روی یک توان نظامی و یک قدرت دگم مذهبی برای جلوگیری و به‌عقب راندن نفوذ ایران در آنچه آنها مداخله در امور اعراب اعراب می‌دانند، حساب باز کرده‌اند (Dillow, 2016: 5). این ترکیب رقابت ژئواستراتژیک با فرقه‌گرایی و قومی، که به موجب آن قدرت‌های عرب سعی در عقب راندن مدعیان غیرعرب-ترکیه و ایران- برای رهبری منطقه دارند، به بروز یک شرایط منطقه‌ای فرآر منجر شده است که به هیچ‌وجه به ثبات منطقه منتهی نخواهد شد. وقوع بحران قطر با عربستان سعودی در ژوئن ۲۰۱۷ نمونه بارز چنین شرایط متغیری در منطقه است که ایران و ترکیه را به صورت مقطعی در یک جبهه قرار داد؛ اما بحران سوریه، ایران و ترکیه را به صورت پایدار مقابل هم قرار داده است. با نگاهی به آینده، تعیین برخی پارامترهای همکاری به منظور پرداختن به سه چالش اصلی مهم خواهد بود:

نخست، جدایی‌طلبی کردها یک احتمال واقعی هم در سوریه و هم در عراق است و البته، تهدیدی جدی برای ایران و ترکیه محسوب می‌شود. دولت منطقه‌ای کردستان در عراق از حمایت شدید آمریکا و اسرائیل برخوردار است و همچنان با ایده همه‌پرسی استقلال در سپتامبر ۲۰۱۷ بازی می‌کند. جنگجویان کرد سوری نیز در منطقه خود اعلام خودمختاری کرده‌اند و از حمایت نظامی آمریکا و روسیه برخوردارند؛ هرچند به‌نظر می‌رسد که این حمایت‌ها با شکست داعش کم‌رنگ شوند. پ.ک.ک کمپین حملات نظامی علیه حکومت ترکیه را از سر گرفته است. ایران از نزدیک شاهد این تحولات است؛ درحالی‌که نسبت به بخشی از اقلیت کرد خود نگران است و خوب می‌داند که پ.ک.ک و نسخه ایرانی آن، پژاک به دنبال سرنگون کردن نظام موجود در ترکیه و ایران است. شاهد

مثال هم برخوردارهای سال ۲۰۱۶ در شمال غرب ایران بوده است (Erdbrink, 2016: 7 & Cook 2016: 3)، و همچنین، حملات تروریستی در قلب تهران توسط داعش در ژوئن ۲۰۱۷ که با غافلگیری مقامات در ایران و جهان همراه بود.

در این میان، برخی از تحلیلگران ترک معتقدند کوشش‌های روسیه برای قرار گرفتن در جایگاه آمریکا از طریق حضور سنگین نظامی در سوریه و حضور کم رنگ‌تر در عراق، تهدید کوتاه و بلندمدتی برای اهداف منطقه‌ای ترکیه و ایران؛ با وجود رابطه راهبردی کنونی میان تهران - مسکو است. به عبارتی، روسیه قبلاً روی خنثی کردن فعالیت‌های ترکیه و ایران برای نفوذ در منطقه قفقاز و آسیای مرکزی کار کرده است، و امروز روسیه از نفوذ خود در سوریه و عراق - یعنی مناطق سنتی تحت نفوذ ترکیه و ایران - استفاده می‌کند (Özel, 2016: 2). از طرفی، تشدید اختلافات اخیر بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان ممکن است مناسبات ترکیه و ایران را پیچیده‌تر کند. این موضوع برای ترکیه بحث خطوط لوله را برجسته می‌کند؛ و برای ایران معادلات داخلی با اقلیت بزرگ آذری زبانش. بنابراین، علاوه بر نگرانی‌های کوتاه‌مدت درباره آینده دمشق، ایران احتمالاً خود را در موضع مشابهی با ترکیه خواهد یافت. اگر در دوره دونالد ترامپ، نزدیکی مسکو - واشنگتن رنگ واقعیت به خود بگیرد؛ (که البته با جنجال کنونی در مورد دست داشتن روسیه در انتخابات آمریکا، تاکنون فضای چنین همگرایی مساعد نشده است) با در نظر گرفتن تاریخ در این خصوص، به طوری که منافع منطقه‌ای ایران توسط روسیه نادیده گرفته شود؛ در نهایت، این مهم هم به لحاظ سیاسی و هم اقتصادی روی روابط ترکیه و ایران نیز اثرگذار خواهد بود.

سوم، موضوع «جابه‌جایی راهبردی ترکیه» است. این مسأله ظرف سال‌های اخیر به‌طور فزاینده‌ای، ناپایداری یا متغیر بودن رویکردها، خصومت‌ها، مواضع و همکاری‌های آنکارا را در قبال تهران به نمایش گذاشته است که معنای آن «عدم قطعیت» است. از همین‌رو، بخشی از تصمیمات سیاسی و راهبردی که طی این چند سال توسط اردوغان و

نزدیکان وی اتخاذ شده است، ائتلاف‌های منطقه‌ای یا موضع‌گیری‌هایی را که عمدتاً به عنوان صف‌بندی دیده می‌شدند، تغییر داده است. دورانی که حداقل همکاری سیاسی و امنیتی دو کشور در آن مشاهده می‌شود (رضائی، ۱۳۹۵: ۲). هرچند ملاحظات و واقعیات اقتصادی و تجارت دوجانبه میان دو کشور، به‌عنوان وزنه تعادل به حفظ روابط آنها کمک رسانده است. نباید فراموش کنیم که ترکیه واقعاً دوران سختی را از لحاظ شکل‌دهی سیاست خارجی و منطقه‌ای خود می‌گذراند. این کشور دائماً مواضع خود را عوض می‌کند. با روسیه درگیر می‌شود، سپس از روسیه معذرت‌خواهی می‌کند. در یک مقطع بیانیه می‌دهد که در جنگ یمن کنار عربستان و بر ضد ایران است؛ اما بلافاصله با ایران وارد گفتگوهای سیاسی و اقتصادی می‌شود. از طرفی، ترکیه وارد یک مسأله ایرانی - عربی (موضوع جزایر سه‌گانه) با همه حساسیت‌های آن نزد افکار عمومی ایران می‌شود؛ درحالی که مسأله جزایر سه‌گانه موضوعی تاریخی است و ورود به آن، هیچ‌گاه به نفع طرف سوم نخواهد بود؛ حتی آمریکایی‌ها نیز هیچ‌وقت به این شدت به آن ورود نکرده‌اند. ترک‌ها معتقدند که بهترین موقعیت برای آنها زمانی به‌دست می‌آید که روابط خود را با کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس و ایران، طوری متعادل کنند که به هیچ‌کدام کاملاً متعهد نباشند و در عین حال، از هر دو منافع اقتصادی کسب کنند. انتخاب روش برای ایجاد چنین تعادلی بسیار ظریف است؛ زیرا به اقدامات بسیاری برای حفظ آن در شرایط پرتنش کنونی منطقه نیاز دارد.

مطمئناً وقوع کودتا در ترکیه (جولای ۲۰۱۶) بر پیچیدگی سیاست خارجی این کشور افزوده است. مشکل اصلی سیاست خارجی ترکیه، در حزبی و ایدئولوژیک شدن آن و منحصر شدن در دست رئیس‌جمهور این کشور است. ترکیه سال‌ها مبتنی بر یک‌سری اصول و اهداف بروکراتیک، سیاست خارجی خود را دنبال می‌کرد. مطمئناً چرخش‌های سریع در رویکردها، سیاست خارجی یک کشور را دچار چالش می‌کند. بسیاری از کارشناسان در ترکیه اعتقاد دارند که ترکیه فراتر از ظرفیت‌ها و تعریف سنتی خود از مسائل

منطقه‌ای، خود را درگیر این مشکلات می‌کند. به‌همین جهت، ترکیه با یک دوراهی چندوجهی روبه‌روست و بر این اساس، احساس می‌کند که باید با داعش به عنوان یک تهدید امنیتی مقابله کند؛ اما در عین حال، به همان اندازه از انتقال قدرت به یک نظام پسداداشی که ممکن است نفوذ ایران را افزایش دهد، باعث خودمختاری کردها یا استقلال در مرزهای جنوبی‌اش شود و کفه ترازوی شیعه- سنی در عراق و سوریه را به نفع ایران تغییر دهد، نگران است.

بنابراین، ایران و ترکیه، به عنوان یک استراتژی گسترده‌تر باید با تروریسم مبارزه کنند و کوشش کنند به معادلات کلاسیک سنی- شیعه در منطقه احترام بگذارند. این شاید به ایجاد ثبات در یک منطقه متشنج کمک کند. با این حال، هر دو کشور هنوز تا دست برداشتن از ادعاهای خود در یک رقابت ژئواستراتژیک وسیع‌تر فاصله دارند. در واقع، تحرکات ترکیه برای بهبود روابطش با عربستان سعودی و آشتی‌اش با اسرائیل، ممکن است هرگونه روزنه امید را برای همکاری استراتژیک با ایران از بین ببرد. هم ترکیه و هم ایران، بنا بر دلایل متفاوتی، اخیراً سعی کرده‌اند که اروپا را به عنوان شریک خود در غلبه بر برخی مشکلاتشان - هجوم پناهنده‌ها به ترکیه و انزوای اقتصادی ایران- انتخاب کنند. پیشروی در این عرصه‌ها می‌تواند مسیر را برای همکاری بیشتر هموار کند؛ به شرط آنکه اتحادیه اروپا به این نتیجه برسد که هر دو کشور را در زمره هم‌پیمانان خود در مبارزه با تهدیدهای دوگانه تروریسم و مهاجرت قرار دهد. در این راستا، توافق اتحادیه اروپا و ترکیه با پیوستن ترکیه به محور ایران و روسیه در سوریه، می‌تواند اثرات انسان‌دوستانه مثبتی داشته باشد؛ در حالی که می‌تواند به رفع نگرانی‌های اتحادیه اروپا؛ به‌خصوص در زمینه حفاظت از غیرنظامیان در سوریه کمک کند. ایران همچنین، قابلیت و توانایی این را دارد که خود را به عنوان تأمین‌کننده انرژی جایگزین برای اتحادیه اروپا و ترکیه معرفی کند و از طرفی هم - با روی کار آمدن دست راستی‌های ضدایرانی در آمریکا، امیدی به سرمایه‌گذاری‌های عادی

اروپایی برای شروع افزایش منافع اقتصادی ناشی از توافق هسته‌ای ندارد. در مقابل، ترکیه همواره به دنبال تقویت موقعیت ژئوپلیتیک و ترانزیتی خود در جهت تسهیل انتقال گاز ایران به بازارهای غربی بوده است و کمک به ایران برای غلبه بر اثرات تحریم‌های بین‌المللی را به عنوان فرصت تجاری می‌بیند؛ با توجه به این که ایران و ترکیه هر دو به وجوه و ابعاد جایگزینی برای رشد اقتصادی نیاز دارند (Makovsky, 2015: 2-3).

### نتیجه‌گیری

محیط رقابت و تعارض ایران و ترکیه در خاورمیانه، نامتمرکز، آشفته، به لحاظ حیطه گسترده و به لحاظ سرعت، شتابان است. از همین رو، ترکیه و ایران تنها با یافتن یک زمینه و نقطه مشترک می‌توانند به هدف جامع تأمین امنیت در منطقه و ثبات روابط دوجانبه برسند. وقایع پس از خیزش‌های جهان عرب از سال ۲۰۱۱ به این سو، نشان داده است که چیزی جز بی‌نظمی، رنج انسانی و اثرات خارجی تهدیدکننده مناسبات داخلی هر دو کشور، دستاوردی نداشته است. نتایج مختلف کودتای ناموفق در ترکیه را نیز می‌توان به فهرست بلندبالای تغییرات در منطقه که پیامدهایی در آینده نیز خواهند داشت، افزود. انتظار می‌رود که اثرات تحولات سوریه برای نیروهای مختلف عرصه منطقه‌ای؛ به خصوص تعادل قدرت بین ائتلاف سنی، که عربستان سعودی سعی در ایجاد آن دارد، و ائتلاف شیعه به رهبری ایران، مهم باشند. با توجه به احتمال توافق‌های همکاری بین ایالات متحده و روسیه در دوره دونالد ترامپ در خصوص سوریه و امکان تعدیل مواضع ترکیه در مخالفت با حذف اولیه اسد تا اطلاع ثانوی، تحولات در عرصه سوریه ممکن است روی توجه اسرائیل به وضعیت کلی ایران نیز تأثیر بگذارد. موفقیت ایران و روسیه در تضمین ادامه حکومت اسد در دوره انتقالی، احتمالاً ایران را قادر خواهد ساخت تا حضور در سوریه را تحکیم کند و این موضوع قطعاً با چالش ترکی روبه‌رو خواهد شد. دو کشور، اصول مشخصی را در



روابط تعریف کرده‌اند و سعی دارند در افزایش حوزه امنیت و نفوذ خود، چانه‌زنی کنند که البته امری طبیعی در حوزه سیاست خارجی است. از نظر ایران، گسترش روابط با ترکیه در هر شرایطی خوب است؛ اما یک ترکیه باثبات و با دولت غیرنظامی به نفع ایران است. ترکیه نیز به ارزش و اهمیت ایران آگاه است؛ اما درگیر شدن در مسائل حزبی و بی‌اعتمادی به رقبای سیاسی، به گونه‌ای رئیس‌جمهور ترکیه و تیمش را به سیاست‌ها و موضع‌گیری‌ها شتابزده وادار می‌کند که از لحاظ افکار عمومی ایران خوشایند نیست. اگر جمهوری اسلامی، تهدیدی جدی از جانب ترکیه احساس کند، این می‌تواند به رابطه دو کشور به میزان چشمگیری آسیب وارد آورد. در چنین حالتی، روابط ایران و ترکیه در سال‌های آینده به نوعی می‌تواند بازتاب‌دهنده روابط میان این دو کشور در دهه ۱۹۹۰ محسوب شود.

نکته مهم دیگر در مورد آینده روابط ایران و ترکیه، به موضوع سیاست‌های داخلی و ثبات و بی‌ثباتی در این کشور بستگی دارد. می‌دانیم که ترکیه در مقطعی تاریخی و حساس قرار دارد؛ به همین سبب، هنوز بسیار زود است که بگوییم این کشور به کدام سو حرکت می‌کند. اگر روندهای پیشین به سمت چندقطبی شدن و اقتدارگرایی ادامه یابد، ممکن است این کشور به نقطه مشخصی برسد؛ اما اگر اتحاد ملی مبتنی بر تعهد مشترک به همه اقشار و اقوام، دست بالا را پیدا کند، با بهبود یافتن فضای سیاسی ترکیه، زمینه برای از سرگیری مناسبات پایدارتر با ایران نیز فراهم خواهد شد. با وجود این، شتاب‌زدگی در سیاست‌های رهبر فعلی ترکیه، نباید ایران را هم به واکنش متقابل از این نوع هدایت کند. روابط ترکیه با ایران ممکن است فراز و نشیب داشته باشد؛ اما به‌رحال نقطه تعادل خود را پیدا خواهد کرد.

## منابع

امیدی، علی. (۱۹ اسفند ۱۳۹۱). «هنر دیپلماسی حفظ رابطه است؛ نه گسستن آن»،

دیپلماسی ایرانی:

<http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1913522>

رضائی، مسعود. (۱۱ آذر ۱۳۹۳). «درک اهداف ترکیه در عراق»، مؤسسه تحقیقات

بین‌المللی ابرار معاصر تهران:

<http://www.tisri.org/default-1728.aspx>

رضائی، مسعود. (۲۴ شهریور ۱۳۹۵). «جابه‌جایی راهبردی و معضل عدم قطعیت در

خاورمیانه»، دیپلماسی ایرانی:

<http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1962767/>

Buzan, Barry, (1984) Peace, Power, and Security: Contending Concepts in the Study of International Relations, Journal of Peace Research, Vol. 21, No. 2, Special Issue on Alternative Defense.

Cagaptay, Soner and Tyler Evans, (2013) Balancing Iran, The American Interest, Volume 9, Number 1, September/October, <http://www.the-american-interest.com/2013/08/11/balancing-iran/>

Cetingulec, Mehmet, (2015), How will Turkey benefit from lifting of Iran sanctions? Al-Monitor, April 10, <http://www.al-monitor.com/pulse/originals/2015/04/turkey-iran-how-will-benefit-from-lifting.html>

Choluv, Martin, (2016) "Amid Syrian chaos, Iran's game plan emerges: a path to the Mediterranean", The Guardian, October 8, <https://www.theguardian.com/world/2016/oct/08/iran-iraq-syria-isis-land-corridor>

Cook, Steven A., (2016) "Who Exactly Are 'the Kurds'?" The Atlantic, February 26, <http://www.theatlantic.com/international/archive/2016/02/kurdsturkey-pkk-ypg/470991/>

Daily Sabah, (October 27, 2016) Turkey-backed FSA to clear Daesh from al-Bab, Raqqa and YPG from Manbij, <http://www.dailysabah.com/d/politics/2016/10/28/turkey-backed-fsa-to-clear-daesh-from-al-bab-raqqa-and-ypg-from-manbij>

Demirtaş, Serkan, (2016) "Iran cites Turkey as priority, proposes new economic plan," Hürriyet Daily News, February 12,

- <http://www.hurriyetdailynews.com/iran-citeturkey-as-priority-proposes-new-economic-plan-.aspx?pageID=238&nID>
- Dillow, Clay, (2016) "U.S. Sold \$33 Billion in Weapons to Gulf Countries in the Last Year," *Fortune*, March 28, <http://fortune.com/2016/03/28/u-s-arms-sales-gulf/>; Max
- EIA, (August 6, 2015) Turkey International Energy Data and Analysis, <https://www.eia.gov/beta/international/analysis.cfm?iso=TUR>
- Erdbrink, Thomas, (2016) "Kurdish Rebels Clash with Iran's Revolutionary Guards," *The New York Times*, June 27, <http://www.nytimes.com/2016/06/28/world/middleeast/kurdish-rebels-clash-with-irans-revolutionaryguards.html>
- Erdem, Enis, (2016) Why are Gulenists hostile toward Iran? *Al-Monitor*, August 5, <http://www.al-monitor.com/pulse/originals/2016/08/fethullah-gulen-anti-iran-posture-zarrab-selam-tevhid.html>
- Foreign Trade Statistics Yearbook, (2011) Turkish Statistical Institute, [http://www.turkstat.gov.tr/Kitap.do?metod=KitapDetay&KT\\_ID=4&KITA\\_P\\_ID=89](http://www.turkstat.gov.tr/Kitap.do?metod=KitapDetay&KT_ID=4&KITA_P_ID=89)
- Friedman, Dov, (2015) "The Turkish Model: The History of a Misleading Idea", Washington: Center for American Progress, <https://www.americanprogress.org/issues/security/report/2015/08/25/119932/the-turkish-model/>
- Hashem, Ali, (2016) Why Iran stood with Erdogan, *Al-Monitor*, July 19, <http://www.al-monitor.com/pulse/originals/2016/07/iran-reactions-turkey-coup-attempt-zarif-erdogan.html>
- Herz, John, (1951) *Political Realism and Political Idealism: A Study in Theories and Realities* (Chicago: University of Chicago Press).
- Hubbard, Ben and Karam Shoumalimay (2015), Fertilizer, Also Suited for Bombs, Flows to ISIS Territory from Turkey, *New York Times*, May 5, [www.nytimes.com/2015/05/05/world/europe/fertilizer-also-suited-for-bombs-flows-to-isis-territory-from-turkey.html?\\_r=1](http://www.nytimes.com/2015/05/05/world/europe/fertilizer-also-suited-for-bombs-flows-to-isis-territory-from-turkey.html?_r=1)
- Hürriyet Haber, (November 3, 2016) PKK 3 kampını İran'a taşıdı: İran'ın, Kandil'in doğu kısmında bulunan 3 PKK kampının kendi sınırlarına taşınmasına göz yumduğu iddia edildi, <http://www.hurriyet.com.tr/pkk-3-kampini-irana-tasidi-40266894>
- Idiz, Semih, (2016) "Animosity toward Iran reaches fever pitch in Turkey after Aleppo", *Al-Monitor*, December 20, <http://www.al-monitor.com/pulse/originals/2016/12/turkey-iran-animosity-reaches-fever-pitch.html>
- International Crisis Group, (2016) *Turkey and Iran: Bitter Friends*, Bosom

- Rivals Crisis Group Middle East Briefing N°51, Istanbul/Tehran/Brussels, 13 December.
- Larrabee, F. Stephen and Alireza Nader, (2013), "Turkish-Iranian Relations in a Changing Middle East" (Santa Monica: RAND Corporation), [http://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/research\\_reports/RR200/RR258/RAND\\_RR258.pdf](http://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/research_reports/RR200/RR258/RAND_RR258.pdf)
- Makovsky, Alan, (2015) "Turkey's Growing Energy Ties with Moscow" Washington: Center for American Progress, <https://www.americanprogress.org/issues/security/report/2015/05/06/112511/turkeys-growing-energy-tieswith-moscow/>
- Mustafa, Abdul-Qahar, (2016), Iran and Turkey are dragging Kurds into their Cold War in the Middle East, Bas News, Dec 5, <http://basnews.com/index.php/en/opinion/315790>
- Nasr, Vali, (2016) "The War for Islam," Foreign Policy, January 22, 2016, available at <http://foreignpolicy.com/2016/01/22/the-war-for-islam-sunni-shiite-iraq-syria/>
- Özel, Soli (2016) "Voices from Turkey: The Crisis in Turkish-Russian Relations" Washington: Center for American Progress, available at <https://www.americanprogress.org/issues/security/report/2016/05/10/137131/the-crisis-inturkish-russian-relations/>
- Philips, David, , (2016) Only Solution is Kurds' Right to Self Determination, Kurdish Question, Dec 9, <http://www.kurdishquestion.com/article/3688-only-solution-is-kurds-right-to-self-determination-david-phillips>
- Rezaei, Masoud, (2014) The Pakistanization of Turkey beyond Zero Problems, Iran Review, October 21, <http://www.iranreview.org/content/Documents/The-Pakistanization-of-Turkey-beyond-Zero-Problems-.htm>
- Saadoun, Mustafa, (2016) Iran, Turkey fight over Tal Afar, Al-Monitor, November 18, <http://www.al-monitor.com/pulse/originals/2016/11/tal-afar-iraq-turkman-turkey-pmu-syria.html>
- Sanger, David E. & Michael Slackman, (2010) "U.S. Is Skeptical on Iranian Deal for Nuclear Fuel," The New York Times, May 17, <http://www.nytimes.com/2010/05/18/world/middleeast/18iran.html>
- Shaheen, Kareem & Martin Chulov, (2016) Syrian rebels stunned as Turkey signals normalisation of Damascus relations, The Guardian, 13 July, <https://www.theguardian.com/world/2016/jul/13/turkey-pm-greatest-goal-is-to-improve-relations-with-syria-and-iraq>
- Smyth, Phillip, (2015) "Iran's Iraqi Shiite Proxies Increase Their Deployment to Syria," The Washington Institute for Near East Policy, October 2,

دامنه و افق مناسبات جمهوری اسلامی ایران و ترکیه (۲۰۲۱-۲۰۱۱) / ۸۵

<http://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/view/irans-iraqi-shiiteproxies-increase-their-deployment-to-syria>

Ülgen, Sinan, (2016) Turkey Needs Reassurance of the West's Friendship, Financial Times, Aug 15, <https://www.ft.com/content/258811dc-62fb-11e6-8310-ecf0bddad227>

Yarshater, Ehsan & others (1968-1991) The Seljuq, Timurid, Safavid, and Qajar Royal Families had Turkic Origins and Ruled Iran after the end of the Abbasid Caliphate. The Cambridge History of Iran, Vols. 5, 6, and 7 (Cambridge: Cambridge University Press.

